



Violence against Working Children from the Perspective of Victimology with a Focus on the Approach of International Documents and Iranian Criminal Law

Atefeh Akbari¹, Masoud Heidari*², Mahmoud Ashrafy³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 261-274

Corresponding author Info

ORCID: 0000-0001-6681-3627

TELL: +989131115525

Email: masoud_heidari2@yahoo.com

Article history:

Received: 07 Sep 2023

Revised: 10 Oct 2023

Accepted: 02 Jan 2024

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

*Victim, Protective
Victimology, Working
Children, Claim for Damages.*

ABSTRACT

Working children are vulnerable groups who are more exposed to violence than other children and therefore need supportive criminology. The purpose of this article is to examine this important question, what are the criminal legal protection mechanisms of Iran and international documents in the protection of child abusers in the light of protective criminology? This is a theoretical article and it has investigated the mentioned question using a descriptive analytical method and in the form of a library. The findings indicate that the Criminal Procedure Law of 2012 has provided significant rights for the victims in the stage of crime discovery and preliminary investigation, but at this stage, no special differential protection has been provided for the children and teenagers who have been the victims and the legislator has generally protected the victims (adults) - has supported children. Special legal protections for children are not provided in Iran's criminal laws during the trial and sentencing stage. In this context, there is a big vacuum. Due to their special situation and vulnerability, children may be exposed to psychological and emotional injuries as a result of being in court and during cross-examination and confronting the accused, as well as recalling past memories, so special methods should be used to prevent them as much as possible, considered their direct contact with the judicial system. Using the method of recording the statements of abused children or closed cameras is very helpful in this field.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Akbari, A; Heidari, M & Ashrafy, M (2024). "Violence against Working Children from the Perspective of Victimology with a Focus on the Approach of International Documents and Iranian Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 261-274.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با مذاقه در رویکرد اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران

عاطفه اکبری^۱، مسعود حیدری^{۲*}، محمود اشرافی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

کودکان کار از اقبال آسیب‌پذیری هستند که بیشتر از سایر کودکان در معرض خشونت قرار دارند، لذا نیازمند بزه‌دیده‌شناسی حمایتی هستند. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که سازوکارهای حمایتی حقوقی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی در حمایت از کودکان کار در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی چیست؟ این مقاله نظری بوده و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و به‌صورت کتابخانه‌ای یا به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی حقوق قابل توجهی را برای بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است، اما در این مرحله حمایت افتراقی خاصی برای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است و قانون‌گذار به‌طور کلی بزه‌دیدگان (بزرگسالان، کودکان) را مورد حمایت قرار داده است. در مرحله رسیدگی و صدور حکم نیز حمایت‌های حقوقی ویژه برای اطفال در قوانین جزایی ایران مقرر نشده است. در این زمینه خلأ بزرگی برای حمایت از کودکان آزاردیده در فرایند کیفری مشاهده می‌گردد. کودکان به‌دلیل وضعیت و موقعیت خاص آسیب‌پذیری که دارند، ممکن است در نتیجه حضور در دادگاه و در مرحله سوالات متقابل و مواجهه با متهم و نیز یادآوری خاطرات گذشته، در معرض آسیب‌های روانی و عاطفی قرار گیرند، لذا باید تا حد ممکن روش‌های خاص برای ممانعت از تماس مستقیم آن‌ها با دستگاه قضایی در نظر گرفت. استفاده از روش ضبط اظهارات کودکان آزاردیده و یا دوربین‌های مداربسته در این زمینه بسیار راهگشا است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۶۱-۲۷۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۳۶۲۷-۶۶۸۱-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۳۱۱۱۵۵۲۵

ایمیل: masoud_heidari2@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیده، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، کودکان کار، مطالبه خسارت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

معرض انحراف در اسناد بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (نیکو و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۵). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که سازوکارهای حمایتی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران در مواجهه با خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی چیست؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا سازوکارهای حمایتی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله کشف جرم، سپس، تحقیق کیفری و در ادامه مرحله تحقیقات مقدماتی و در نهایت دادرسی، صدور و اجرای حکم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- بزه‌دیدگی کودکان کار و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی

«بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان واردشده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود» (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). یکی از عوامل زیستی مؤثر در بزه‌دیدگی سن، شرایط و موقعیت افراد است. به‌عبارتی کودکان کار بیشتر از سایر گروه‌ها در خطر بزه‌دیدگی قرار دارند (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۲). از مهم‌ترین شرایط و عوامل زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودکان کار را می‌توان به: خشونت‌های خانواده به‌خصوص والدین بی‌تفاوت، بی‌اعتقادی والدین، سطح درآمد (پایین یا بالا)، میزان تحصیلات، اعتیاد، طلاق اشاره کرد (قائمی، ۱۳۸۶: ۶۶). «مطابق بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، لازم است به بزه‌دیدگان اجازه داده شود تا چنانچه در صورت رخداد جرم به آسیب بدنی و درد و رنج عاطفی شده‌اند، هم‌زمان جبران خسارت مادی و معنوی بخواهند. همچنین هرگاه گروه‌های بزرگی از بزه‌دیدگان آسیب دیده باشند، طرح دعوا به نمایندگی از یک گروه ممکن است مجاز دانسته شده یا در مورد خسارت‌های زیست‌محیطی، به انجمن‌های غیردولتی اجازه داده شود تا نماینده بزه‌دیدگان باشند و از سوی آنان جبران خسارت درخواست کنند. واژه بزه‌دیده خانواده‌اش را و همچنین فردی را که در جریان کمک به بزه‌دیده آسیب‌دیده است نیز دربر می‌گیرد. این موضوع به‌ویژه در مورد پیامدهای عاطفی و نیز آثار مالی بر

محیط اطراف اطفال و نوجوانان می‌تواند آثاری برجای بگذارد که نتایج آن هم در زمان کودکی و نوجوان‌بودن و هم در بزرگسالی آن‌ها معلوم می‌شود. در این میان کودکان که از سرپرستی شایسته برخوردار نمی‌باشند، بیشتر از سایر کودکان در معرض آسیب‌ها و بزه‌دیدگی قرار دارند. کودکان کار از ابتدایی طریق حقوق خود به‌دلیل وضعیت بد اقتصادی خانواده محروم شده‌اند. آن‌ها در سنین کودکی از روی ناچاری به کارکردن روی آورده‌اند. مسأله اصلی برای این کودکان، خشونت است که گاه‌وبی‌گاه از طرف افرادی از جامعه و یا خود خانواده در مورد این کودکان اعمال می‌شود. خشونت‌هایی که آسیب‌های وحشتناکی بر کودکان این جامعه به بار می‌گذارد. خشونت‌هایی که در حال حاضر کودکان کار را درگیر خود کرده است را می‌توان به خشونت جسمی، عاطفی، جنسی نام برد که هر کدام از این خشونت‌ها که بر کودک اعمال می‌شود، اثرات مخربی در روح و روان کودک برجای می‌گذارد. کودکی که مورد خشونت قرار می‌گیرد، دچار سوءتغذیه شده و احساس درد در تمامی بدن خود می‌کند. این کودکان اکثراً دچار افسردگی هستند و هیچ تمایلی به رفتن به مدرسه از خود نشان نمی‌دهند. کودکان خشونت‌دیده ارتباط مؤثری با همسالان خود نیز نمی‌توانند برقرار کنند. تحقیق در زمینه خشونت با کودکان کار این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد تا لایه‌های پنهان این خشونت‌ها آشکار شود تا امکان کمک و یاری به کودکان کار و آموزش این کودکان در راه مقابله با این خشونت‌ها را فراهم سازد. مسأله بزه‌دیدگی کودکان به‌دلیل ارتباط آن با آینده افرادی که جامعه را در آتیه خواهند ساخت، اهمیت زیادی در جامعه پیدا نموده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳). پژوهش‌های متعددی در زمینه حمایت کیفری از کودکان انجام شده است: غلامرضا رضائی‌راد، علی آقاپور و طاهره محمود سلطانی، در مقاله‌ای به بررسی سیاست کیفری در قبال بهره‌کشی جنسی از کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران پرداخته‌اند (رضائی‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵۹). همچنین بهنام نیکو، مریم صفایی و اسماعیل عبدالمهی، در مقاله‌ای، سیاست جنایی حمایت از کودکان در

از اعضای خانواده، مشاوران حقوقی و گروه‌های دیگر کمک بگیرند. برای این منظور ایجاد یک دفتر مستقل برای رسیدگی صحیح به این‌گونه شکایات با امکانات لازم جهت حفظ ایمنی از تهدیدات که متعاقب شکایت ممکن است صورت گیرد، ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین امکاناتی باید در دسترس کودکان و نوجوانان بی‌سواد قرار گیرد تا در صورت نیاز از خدمات مؤسسات و سازمان‌های عمومی یا خصوصی که مشاوره حقوقی می‌کنند و یا صلاحیت دریافت شکایات را دارند، از آن‌ها استفاده کنند. معاهده حقوق کودک در این راستا مقرر می‌دارد: «هر کودک زندانی می‌باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی‌شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات صالح، مستقل و بی‌طرف و نیز از حق تصمیم‌گیری سریع در این‌گونه موارد برخوردار باشد. مشاوران باید احساس ایمنی را در اطفال برای گزارش جرم به‌وجود آورند و سیستم عدالت قضایی نیز باید امکانات لازم جهت رفت‌وآمد را فراهم سازند» (آبروشن، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

کسی که جرم مستقیماً نسبت به او واقع شده است یا قائم‌مقام قانونی چنین شخصی محسوب می‌شود، مانند ورثه در جرم قتل یا ولی قهری در جرم ارتكابی علیه فرزندش می‌تواند به‌عنوان شاکی شکایت نماید و از دادستان تعقیب کیفری متهم را بخواهد. شکایت برای شروع به رسیدگی کافی می‌باشد، اما برخی از جرائم به‌دلیل اهمیت بیشتر جنبه خصوصی آن، شکایت برای شروع به تعقیب و رسیدگی ضروری است و در این جرائم دادستان تا قبل از شکایت شاکی، قانوناً نمی‌تواند تعقیب کیفری را به جریان اندازد (خالقی، ۱۳۹۴: ۴۶).

بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در زمینه حق دسترسی شاکی به عدالت کیفری بیان می‌دارد: «هرکس حق دارد تا به دادخواهی او در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف، به‌شکل منصفانه رسیدگی شود.» «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای طرح شکایت، شرایط خاص و پیچیده‌ای را در نظر نگرفته است. مطابق ماده ۶۹ آن، حتی طرح شکایت شفاهی را نیز مورد پذیرش قرار داده است. در جرایمی که تعقیب کیفری مستلزم طرح شکایت از سوی

خواسته از جرم، در جرم‌هایی مانند تجاوز جنسی، خشونت‌های خانگی وجود دارد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۶۷). «از دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، سازمان ملل متحد با بهره‌گیری از پژوهش‌های جرم‌شناسانه، تلاش خود را برای پی‌ریزی، اصول و مالک‌های جهانی برای حمایت از بزه‌دیدگان به‌کار بسته است. اعلامیه اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، سرآمد این تلاش‌ها و به‌منزله منشوری دربردارنده مالک‌های جهانی در چهارچوب یک بزه‌دیده‌شناسی حمایتی به‌شمار می‌آید که نقش شایانی در برقراری هم‌ترازی میان حق‌های بزه‌دیدگان و متهمان یا بزهکاران داشته است» (کی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۲). فلسفه این اعلامیه عبارت است از شناسایی بزه‌دیدگان و رعایت احترام و رفتار منصفانه با آنان، زیرا به باور نویسندگان اعلامیه، بزه‌دیدگان در کنار حق جبران زیان دیدگی‌های خود، باید بتوانند به سازوکارهای مناسب قضایی نیز دسترسی داشته باشند و کمک‌های تخصصی کافی در زمینه کاهش درد و رنج‌های عاطفی و دیگر آثار بزه‌دیدگی دریافت کنند. بی‌گمان تصویب این سند مهم را باید نخستین گام درجهت پیشرفت واقعی و عملی در قلمرو حمایت از بزه‌دیدگان دانست که به پی‌ریزی اصول و مالک‌های جهانی در چهارچوب یک بزه‌دیده‌شناسی حمایتی انجامیده است. این مالک‌ها در وهله نخست، در شناسایی بزه‌دیدگان از گذر یک تعریف جامع نقش دارد و در وهله دوم، در ضابطه‌مندساختن حق‌های بزه‌دیدگان در چهارچوب رفتار منصفانه و دسترسی به دادگری مؤثر است.

۲- حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی

حمایتی در مرحله کشف جرم

حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله کشف جرم به طرق زیر امکان‌پذیر است:

۱-۲- طرح شکایت

شاکی کودکان و نوجوانان حق دارند به‌راحتی و بدون هیچ دغدغه‌ای متعاقب بزه‌دیدگی شکایت خود را به مقامات مسئول اعم از مقامات قضایی، پلیس یا سایر مقامات سیستم عدالت کیفری اعلام کنند و «برای مطرح‌کردن شکایت خود

کنند.» به‌طور کلی «مأموران پلیس می‌بایستی برای پیگیری امور کودک بزه‌دیده به‌نحو قابل فهم، سازنده و اطمینان‌بخش تشکیل یابند و امکان دسترسی به اطلاعات موجود در پرونده را برای کودک و وکیل وی فراهم سازند. پلیس می‌باید اطلاعات لازم را درخصوص جلب مشاوران علمی و حقوقی در اختیار کودک بزه‌دیده قرار دهد» (افتخاری، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۱ خود در این راستا مقرر می‌دارد که: «به‌منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود.» همچنین در ماده ۴۲ خود اعلام می‌دارد «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و بارهایت موازین شرعی انجام شود.» در صورت ارتکاب جرم توسط کودک پرونده کیفری او مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و تحقیقات مقدماتی از او در دادسرا به‌عمل نمی‌آید و هرگونه تحقیقات از طفل توسط قاضی دادگاه صورت می‌گیرد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که احتمال منظور مقنن در این دو ماده از تشکیل پلیس ویژه اطفال و تحقیق از اطفال، تحقیق از کودک بزه‌دیده می‌باشد نه بزهدار، هرچه قوانین کامل‌تر و دقیق‌تر باشند، حمایت اجرایی از حقوق کودک با موفقیت بیشتری انجام خواهد شد.

۳- حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی

حمایتی در مرحله تعقیب کیفری

مرحله تعقیب کیفری دربرگیرنده آن دسته از اقدام‌های دستگاه عدالت کیفری است که به‌منظور آماده‌سازی پرونده کیفری و فرستادن آن نزد بازپرس انجام می‌شود و بعد از مرحله کشف جرم اولین مرحله ورود کودک به‌نظام عدالت کیفری می‌باشد. تعقیب کیفری یکی از حساس‌ترین مراحل فرایند کیفری می‌باشد که در وهله نخست نماینده جامعه را مکلف به تعقیب آرای کیفری علیه مرتکب جرم می‌سازد و در این مرحله بنیان‌های آرای کیفری در آن پی‌ریزی می‌شود که در سرنوشت پرونده کیفری تأثیر به‌سزایی خواهد داشت (نیازپور، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

قربانی جرم است، چون کودک اهلیت طرح شکایت را به‌تنهایی ندارد و در غالب موارد جرائم علیه کودکان و نوجوانان توسط نزدیکان یا اولیا صورت می‌گیرد، درواقع عدم اعلام جرم توسط این افراد موجب پنهان‌ماندن این جرائم و بزه‌دیدگی ثانویه این کودکان و افزایش رقم سیاه بسیاری از جرائم علیه آن‌ها را به‌دنبال دارد» (ساقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸).

بنابراین ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری در راستای حمایت از کودکان بیان می‌دارد که: «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی می‌باشد و بزه‌دیده مجبور می‌باشد ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به مجبور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند...». قانون حمایت از خانواده در ماده ۶ خود به مادر اجازه می‌دهد به‌جای کودک تحت حضانت اعلام شکایت بابت ترک انفاق کند و دیگر نیازی به تحمیل محدودیت‌های ماده ۷۰ آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد. همچنین در صورتی که جرم واقع‌شده علیه کودک، مستوجب قصاص یا دیه باشد، حتماً باید ولی طفل مطالبه قصاص و دیه کند.

۲-۲- نقش پلیس در حمایت از کودکان بزه‌دیده

قانون استخدامی نیروهای انتظامی مصوب ۱۳۷۴ در ماده ۲۰ بیان می‌دارد که: «نیروی انتظامی می‌تواند زنان را با حفظ موازین اسلامی در مشاغل مورد نیاز به‌صورت پرسنل انتظامی یا کارمند استخدام نماید»؛ «یونیسف از آموزش پلیس، قضات، مددکاران اجتماعی و کارکنان زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت نوجوانان درخصوص حقوق کودک و همین‌طور فعالیت‌های مناسب در رابطه با دادرسی ویژه نوجوانان حمایت می‌کند» (افتخاری، ۱۳۸۸: ۱۶۶). اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ در ماده ۱۶ مقرر می‌دارد: «افسران پلیس، دست‌اندرکاران عدالت، مأموران خدمات بهداشتی و اجتماعی و دیگر کارکنان مربوط برای حساس‌شدن و توجه به نیازهای بزه‌دیدگان باید آموزش ببینند و رهنمودهایی برای تضمین کمک‌رسانی مناسب و فوری دریافت

۳-۱- نقش دادستان

«در مرحله تعقیب آنگاه که دادستان براساس نظام قانونی بودن تعقیب مکلف به تعقیب دعوی عمومی است، برخی وظایف و تکالیف را در راستای رعایت حقوق بزه‌دیده برعهده دارد، از جمله دادستان به‌عنوان یکی از مقامات قضایی مکلف می‌باشد، طبق ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری، حقوق بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی را به او تفهیم کند و سازوکارهای اجرای آن را فراهم سازد، مانند آگاه‌ساختن کودکان بزه‌دیده از حق استفاده از وکیل معاضدتی و یا وجود صندوق‌های جبران خسارت، به‌طوری‌که در بعضی از کشورها مشاهده می‌شود می‌تواند از تکالیف دادستان در این خصوص به‌شمار آید» (ساقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲).

همچنین در مواردی که کودک بزه‌دیده در معرض خطر قرار می‌گیرد، به‌منظور حمایت از آن‌ها باید قضاوت ویژه رسیدگی‌کننده از پاسخ‌ها و تدابیر سریع و خارج از چهارچوب و تشریفات دادرسی‌های عادی بهره‌گیرند، مانند مطابق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی خروج کودک از حضانت والدین در صورت عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هریک از والدین می‌باشد.

ماده ۳۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز به اتخاذ تدابیر حمایتی جهت رفع خطر و یا در موارد ضروری به دستور موقت خروج کودک و نوجوان از محیط خطر و انتقال او به مکان مطمئن با توجه به نوع و شدت خطر، کیفیت جرم و سوابق و وضعیت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی کودک و نوجوان اشاره می‌نماید. در زمینه دسترسی آسان به عدالت کیفری دادستان مکلف می‌باشد شکایات کتبی و شفاهی بزه‌دیده را در همه‌وقت بپذیرد. «مطابق ماده ۶۹ آیین دادرسی کیفری و نیز مطابق ماده ۷۱ این قانون به‌منظور حمایت از کودکان بزه‌دیده در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است و ولی قهری یا سرپرست قانونی او باوجود مصلحت مولی‌علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان رأساً تعقیب کیفری را برعهده می‌گیرد و بدون موافقت او، تعقیب یا اجرای حکم متوقف نخواهد شد» (ساقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲).

۳-۲- تدابیر غیررسمی در حمایت از کودکان بزه‌دیده

«جرم موجب ایجاد اختلال در روابط فردی و میان‌فردی می‌شود، این امر را نیز باید پذیرفت که بزه‌دیدگان و جامعه محلی که بزه‌کار در آنجا زندگی می‌کند نیز حقوقی دارند و آن‌ها از وقوع جرم متحمل ضرر می‌شوند و برخلاف عدالت کیفری سنتی که سهامدار اصلی آن اصولاً دولت است، در عدالت ترمیمی علاوه بر دولت، مهم‌تر از آن بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه محلی سهامدار اصلی عدالت هستند، آن‌ها هستند که از جرم ضرر دیده‌اند و قبل از اجرای عدالت باید منتفع شوند. فرآیندهای عدالت ترمیمی فرصت‌های تعامل اطلاعات، مشارکت و گفتگوی متقابل، رضایت متقابل میان بزه‌دیده و بزه‌کار را تا حد اکثر افزایش می‌دهد، یعنی زمینه‌ای می‌باشد که بزه‌دیده بتواند آلامی که به‌واسطه وقوع جرم متحمل شده را با بزه‌کار در میان بگذارد و بتواند بیان کند که تحت چه شرایطی مجدداً به وضعیت ماقبل جرم برمی‌گردد» (غلامی، ۱۳۸۴: ۳۳۸-۳۳۷).

فلذا تدابیر غیررسمی در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده برای جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد. تدابیر ترمیمی ناظر به جبران خسارت‌های واردشده بر بزه‌دیده یا جامعه و نیز بازپروری بزه‌کار می‌باشد، توسل به میانجی‌گری با توافق طرف‌های دعوا مهم‌ترین تدبیر ترمیمی جانشین تعقیب است. «طبق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «در جرم‌های تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق می‌باشند، دادستان می‌تواند برای دستیابی به سازش میان طرف‌های دعوا، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع کند.» ماده ۱۶ لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان نیز نهاد میانجی‌گری میان شاکی، بزه‌دیده و متهم کودک را در مرحله‌های دادرسی، دادگاه و حتی اجرای حکم پیش‌بینی کرده بود. میانجی‌کوشش لازم و کافی برای برقراری سازش میان طرفین دعوا، طرفین دعوا به‌عمل می‌آورد و در هر صورت ماده ۱۶ لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان نیز نهاد میانجی‌گری میان شاکی، بزه‌دیده و متهم کودک را در مرحله‌های دادرسی، دادگاه و حتی اجرای حکم پیش‌بینی کرده بود. میانجی‌کوشش لازم و کافی برای برقراری سازش میان طرفین دعوا

و شرایط خانوادگی و اجتماعی که در آن به سر می‌برده است. در همه موارد به‌جز در مواردی جرم کم‌اهمیت است، پیش از آنکه مقام قضایی صالح رأی محکومیت صادر کند، پیشینه، اوضاع و احوالی که نوجوان در آن به سر می‌برد و شرایطی را که جرم در آن وقوع پیوسته است، به‌درستی بررسی می‌کند (عابدینی و علوی، ۱۳۹۵: ۹۸).

عوامل زیادی در شکل‌گیری شخصیت مؤثرند، از جمله عوامل روانی، ژنتیک و عوامل محیطی که در میان عوامل ژنتیکی، وراثت و جزء آن و در میان عوامل محیطی، محیط جغرافیایی و اجتماعی اهمیت دارند. ارزش‌های حاکم در جامعه، جمع دوستان، مجامع علمی، ورزشی، مذهبی، اخلاقی و ... باشخصیت تأثیرگذارند. شخصیت انسان از ابتدای پیدایش تا فوت تحت تأثیر عوامل یادشده بوده و خواهد بود (عابدینی و علوی، ۱۳۹۵: ۹۸).

سیاست‌گذاران جنایی بین‌المللی و ملی در پرتوشماری از اسناد و مقررات تشکیل پرونده شخصیت کودکان بزهکار را مورد توجه قرار داده‌اند. قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه اقدام‌های غیرسالب آزادی (۱۹۹۰) از رهگذر قسمت ۳ بند ۲ و قسمت ۱ بند ۵ به تشکیل این پرونده برای اتخاذ تدابیر اصلاحی و درمانی مناسب در مرحله پیش از صدور حکم اشاره کرده است. همچنین ضرورت تشکیل پرونده شخصیت این دسته از بزهکاران را به دست‌اندرکاران عدالت کیفری ملی یادآور شده‌اند (نیازپور، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در ماده ۵ مقرر شده است با تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه‌های قضایی شهرستان تحت نظر دادستان ساختار و تشکیلات مناسب جهت اجرای این قانون ایجاد می‌شود و عهده‌دار وظایف زیر است: بند «ب» ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی و تشکیل پرونده وضعیت فردی و اجتماعی کودک و نوجوان در معرض خطر یا بره‌دیده که در این بند تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان و نوجوانان در معرض خطر یا بره‌دیده پیش‌بینی شده است.

به‌عمل می‌آورد و در هر صورت گزارش اقدام خود را برای تصمیم‌گیری در مهلتی که دادسرا یا دادگاه تعیین کرده، تسلیم می‌کند که متعاقب آن قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود» (ساقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳).

۳-۳- حق بهره‌مندی از خدمات قضات ویژه

اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، مراجع اختصاصی و مقام تعقیب و تحقیق ویژه متناسب با شرایط و نیاز کودکان ضروری هست. بند ۳ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶ بیان می‌دارد: «کشورهای عضو این میثاق اذعان دارند که تدابیر خاصی را جهت حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال ممیز و غیرممیز بدون هیچ‌گونه تبعیضی به‌علت نسب یا علل دیگر اتخاذ نمایند.» یکی از موارد مهم حمایت از کودکان پیش‌بینی دادسرای ویژه جهت تحقیقات مقدماتی می‌باشد.

«ماده ۲۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز رییس قوه قضاییه را مجاز به اختصاص شعبی از دادسراها و دادگاه‌های کیفری و خانواده برای بررسی پرونده‌های موضوع این قانون نموده است. ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز مراجع قضایی موضوع این قانون مکلف شده‌اند تا باتوجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند، اما علاوه بر استفاده از دادسرا و دادگاه ویژه جهت رسیدگی، استفاده از دادستان و یا دادیار ویژه و خاص در پیگیری این‌گونه موارد می‌تواند بسیار مفید باشد و به‌نظر می‌رسد بهتر بود قانون‌گذار در جهت حمایت بیشتر از کودک به‌جای اختصاص شعبی از دادسراها و دادگاه‌ها، اقدام به تخصیص کردن شعب دادسراها و دادگاه‌ها می‌پرداخت و در عمل با استخدام افراد متخصص در زمینه حقوق کودک در دادسرا و برخورد صحیح و اصولی این افراد از بزه‌دیدگی ثانویه کودک که در بسیاری از موارد از رفتار ناشایست مقامات تعقیب در چرخه کیفری نتیجه شده، ممانعت به‌عمل آید» (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

۳-۴- تشکیل پرونده شخصیت

یکی از بنیادی‌ترین حقوق طفل و نوجوانان بزهکار در مراحل دادرسی، تشکیل پرونده شخصیت و شناسایی شخصیت فردی

علوی، ۱۳۹۵: ۹۸). «یکی از مهارت‌های مهم مددکار اجتماعی، مهارت مصاحبه است، مصاحبه در مددکاری به منزله وسیله‌ای برای شناخت، درک مددجو و مشکل او در جریان مشکل‌گشایی ایفای نقش حرف‌های مددکاران اجتماعی است که برقراری یک رابطه مناسب را جهت درک احساسات و بیان درونی مددجو فراهم می‌آورد. در این راستا ماده ۳۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان به مددکاران اجتماعی اجازه تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طریق از کودک و نوجوان بزه‌دیده به‌همراه والدین، اولیا، سرپرستان قانونی خود و مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل یا سایر محل‌های مرتبط با این افراد داده است» (جوان جعفری بجنوردی و قتلویی، ۱۳۹۵: ۹۷-۹۶).

بند ۲ ماده ۶۱ قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ نیز در این راستا بیان می‌دارد: «کلیه اقدامات قضایی توسط مقامات مجری قانون، قضات، دادستان‌ها و وکلایی اجرا شده و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت که آموزش‌های خاص دیده‌اند. این افراد می‌بایست درباره حقوق کودکان و محافظت از صلاح‌دید کودکان آموزش‌های مستمر دریافت کنند. اقدامات می‌بایست متناسب با سن، سطح پختگی و ظرفیت کودک انجام شوند...»

۴-۲- تأمین امنیت کودکان بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

«تأمین امنیت کودک بزه‌دیده و گواهان او از جمله حقوق انسانی و اخلاقی در فرآیند کیفری می‌باشد. بنابراین با در نظر گرفتن مهم‌ترین منافع کودکان باید تمهیدات و اقداماتی برای تحقق این هدف اندیشید و این تدابیر باید نخست به‌سوی سلامت بدنی و سپس سلامت روانی و عاطفی بزه‌دیده جهت‌یافته باشد، در نتیجه هرگونه احساس ناامنی در بزه‌دیده ممکن است به یک بحران پس از بزه‌دیدگی انجامد که در صورتی که بی‌توجهی امکان دارد به شکل یک آسیب روانی یا درد و رنج عاطفی تازه یا پیشرفته درآید» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۵۹).

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای تأمین امنیت کودکان در صورت وقوع خطر در ماده ۳۶ خود مقرر می‌دارد:

پس از این‌که دادستان تصمیم به تعقیب کیفری گرفت، پرونده را جهت تحقیقات مقدماتی به بازپرس ارجاع می‌دهد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این مرحله نیز حقوق قابل توجهی را برای بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است، اما در این مرحله حمایت افتراقی خاصی برای کودکان و نوجوانان بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است و قانون‌گذار به‌طور کلی بزه‌دیدگان (بزرگسالان، کودکان) را مورد حمایت قرار داده است. مقام تحقیق می‌بایست تمامی کوشش خود را برای کاهش اضطراب و نگرانی این دسته انجام دهد با توجه به این‌که نظام حقوقی ما در خصوص استماع اظهارات کودکان فاقد هرگونه قوانین حمایتی (از جمله ضبط اظهارات این دسته از بزه‌دیدگان بدون حضور سایرین) است و معمولاً تحقیقات از آن‌ها در دادسرا به شیوه عمومی و به‌طور یکسان با افراد بزرگسال صورت می‌گیرد، فلذا ضروری می‌باشد که بازپرس، فردی متخصص و آموزش‌دیده در این زمینه باشد تا تحقیقات خود را با در نظر گرفتن نیازهای خاص کودک و رعایت کرامت انسانی انجام دهد.

۴- حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله تحقیقات مقدماتی

حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله تحقیقات مقدماتی به طرق زیر امکان‌پذیر است:

۴-۱- تحقیق و مصاحبه با کودکان بزه‌دیده
«تحقیق و مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده، باید با در نظر گرفتن نیازهای خاص آنان و متناسب با حقوق انسانی اخلاقی، از جمله احترام به شأن، همراه با رفتاری کرامت‌مدار باشد، بدین‌منظور در اکثر کشورها، تحقیق و مصاحبه با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده توسط افراد آموزش‌دیده انجام می‌پذیرد. ماده ۴۳ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز به این مهم توجه کرده، همچنین ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بازجویی و تحقیقات را از افراد نابالغ توسط ضابطان آموزش‌دیده زن، پیش‌بینی کرده است. یکی از افرادی که می‌تواند در انجام امر مصاحبه و تحقیق با کودکان و نوجوانان موفق عمل کند، مددکاران اجتماعی است» (عابدینی و

بند «پ» ماده ۲۳۸ یکی از شرایط آن «در صورتی که آزاد بودن متهم موجب به خطرافتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد» ذکر شده است. «بنابراین در صورتی که آزاد بودن متهم موجب به خطرافتادن جان کودک بزه‌دیده، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد، صدور قرار بازداشت موقت متهم موجه است، اما باید در نظر داشت که استفاده بی‌رویه از بازداشت می‌تواند مشکلات خانوادگی را دامن زد و موجبات بزه‌دیدگی مضاعف کودک را فراهم نماید. بنابراین حتی‌الامکان مراجع قضایی می‌توانند زمانی که به بازداشت مرتکب اقدام می‌کنند، احساس کودک را نسبت به آن در نظر بگیرند، به‌خصوص در مواردی که متهم رابطه‌ای نزدیک با کودک داشته، توقیف چنین فردی نه‌تنها امنیتی برای کودک دربر داشته، بلکه ناامنی برای کودک به‌همراه خواهد داشت» (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۵- حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله دادرسی

در این قسمت به بررسی حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله دادرسی پرداخته می‌شود.

۵-۱- حق مشارکت و ارائه نظرات و دیدگاه‌های کودکان

ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک توصیه می‌کند که برای کودکان باید فرصت‌هایی فراهم آورده شود تا بتوانند در هریک از مراحل دادرسی، اجرایی و قضایی مربوط به خود به‌طور مستقیم یا از طریق یک نماینده ابراز عقیده نمایند (عبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

«کنوانسیون حقوق کودک از آن جهت بر حق ابراز عقاید کودکان تأکید دارد که این حق مقدمه مشارکت اجتماعی آنان است. به‌عبارت دیگر تا فردی آزادی ابراز عقیده نداشته باشد، چگونه می‌تواند نیت خود را به مرحله عمل درآورد. در صورتی که قرار باشد به کودکان اختیار داده شود که عقاید خود را بیان کنند، ولی به عقیده آنان ترتیب اثر داده نشود و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نشود، این حق مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد» (عبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

«هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی کودک و نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون وقوع جرم محتمل باشد، مددکاران اجتماعی به‌زیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلف‌اند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیا و یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز به‌زیستی یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند.»

ماده ۸ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان به‌منظور حمایت از حقوق و منافع کودکان قربانی کشورهای عضو باید اقدامات مقتضی را به‌عمل آورند که در بند «ج» خود به تأمین امنیت کودکان اشاره می‌دارد «بند «ج»: در موارد مقتضی، تأمین امنیت برای کودکان قربانی و همچنین خانواده‌ها و شهود ایشان در برابر ارباب و انتقام‌گیری.»

«از طریقی که هم در اسناد بین‌المللی و هم در حقوق ایران برای تأمین امنیت کودک بزه‌دیده در نظر گرفته شده است، تشدید قرار تأمین کیفری می‌باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که به حقوق بزه‌دیده نیز توجه خاصی شده است، تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، از جمله جهات صدور قرار تأمین کیفری می‌باشد که در ماده ۲۴۳ این قانون پیش‌بینی شده است که بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون قرار تأمین صادره را تشدید کند» (ساقیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

ماده ۳۴ رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم مصوب ۲۰۰۵ بازداشت متهم برای حفظ امنیت بزه‌دیده را مورد توجه قرار داده است، در حقوق داخلی نیز تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص قرار بازداشت در جرائم علیه کودکان به‌طور خاص سخن نرفته است. در ماده ۲۳۸ صدور قرار بازداشت موقت را به‌نحوی قاطع در کودک‌آزاری به‌رسمیت شناخته است که در

تختلی از این قانون قربانی شده است، باید برای احقاق و محافظت از حقوق خود کمک‌های حقوقی دریافت نماید. کمک‌های حقوقی برای مقاصد این قانون شامل نیابت قانونی و مشاوره درباره حقوق کودک و روال‌های حقوقی در دادرسی‌های جزایی و مدنی است.»

در حقوق ایران لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در ماده ۵ بند «ب» خود به «ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی و تشکیل پرونده وضعیت فردی و اجتماعی کودک و نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده» اشاره می‌نماید. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در تبصره ماده ۳۴۷ به تعیین وکیل تسخیری برای بزه‌دیده اشاره می‌کند: «هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند.»

۵-۳- حق خلوت کودک

رعایت حق خلوت موجب می‌شود تا حریم کودک که دربرگیرنده اطلاعات و هویت وی می‌باشد، در جنبه‌های مختلف مورد حفاظت قرار گیرد و راه را برای سوءاستفاده مأموران قانون و رسانه‌ها که به بهانه صیانت و حفظ امنیت اجتماع با نادیده‌انگاری‌هایشان این حق را پایمال می‌کنند، مسدود نماید و به طریق اولی، زمینه تعادل میان حقوق کودک و جامعه فردایش را مهیا نماید. حریم خصوصی را می‌توان قلمرو زندگی هر شخص دانست که تمایل ندارد افراد دیگر بدون اذن و رضایت وی وارد آن محدوده شوند یا تحت کنترل و نظارت دیگران قرار گیرد، همچنین صیانت و حفاظت از این حریم نیز از اهمیت قابل توجهی در دین مبین اسلام برخوردار است. درخصوص دادرسی جرائم علیه کودک بزه‌دیده، قانونی‌ترین بحث در زمینه حریم شخصی بر محور حریم خصوصی اطلاعات می‌باشد.

«کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۱۶ در بندهای ۱ و ۲ خود به رعایت حق خلوت کودک اشاره می‌نماید: ۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود؛ ۲- کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها و یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد» (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۷۷). لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای حمایت از حریم خصوصی

قانون محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ ماده ۶۱ اصول اقدامات قضایی که کودکان در آن دخیل هستند، در بند ۶ خود اعلام می‌دارد که «قضات می‌بایست موظف شوند که نظرات و خواسته‌های کودک را مد نظر قرار دهند». در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در این راستا ماده قانونی خاصی در نظر گرفته نشده است که به نظر می‌رسد اتخاذ تدابیری در این خصوص ضروری می‌باشد.

۵-۲- حق داشتن وکیل

«حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان مهم‌ترین سازوکار حمایت غیرکیفری و از جلوه‌های حق بزه‌دیده بر حمایت و همراهی است که در پرتو آن بزه‌دیدگان به‌ویژه بزه‌دیدگان ناتوان مالی در سراسر فرآیند کیفری از مشاوره‌ها و راهنمایی‌های وکیل یا متخصصان امور حقوقی به‌منظور پیشبرد دعوای خود، دسترسی به عدلت و احقاق حقوق خویش بهره می‌گیرند. به‌عبارت دیگر این‌گونه حمایت غیرکیفری با ارائه کمک‌های حقوقی - قضایی به بزه‌دیدگان اسباب آسان‌سازی و پیگیری‌های کیفری را برای بزه‌دیدگان فراهم می‌نماید. به این ترتیب، حضور وکیل در کنار بزه‌دیدگان موجب می‌شود تا حقوق و منافع آنان در فرآیند کیفری به‌گونه‌ای آسان و دقیق تأمین شود» (نیازپور، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

«اعلامیه اصول بنیادین اجرای عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ در زیر عنوان «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه»، ماده ۶ اصول راهبردی اجرای عدالت نسبت به کودکان در نظام عدالت کیفری ۱۹۹۷ و قسمت نهم بند «الف» و قسمت پنجم بند «ب» رهنمودهایی برای اجرای عدالت نسبت به کودکان بزه‌دیده و گواه بزهکاری ۲۰۰۳ حق بزه‌دیدگان به‌ویژه کودکان بزه‌دیده در استفاده از خدمات حقوقی در سراسر فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند» (نیازپور، ۱۳۸۷: ۲۰۸).

همچنین ماده ۲۲ قانون نمونه محافظت از کودکان ۲۰۱۳ در راستای کمک‌های حقوقی و دسترسی به نظام عدالت و دادرسی در بند ۱ خود بیان می‌دارد که «کودکی که بر اثر موارد

«معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد، در دادسرا عهده‌دار این وظیفه است. به عبارت دیگر در دادسراها بنابر تشخیص مقام صالح واحدی تحت عنوان واحد اجرای احکام تشکیل می‌گردد تا احکام صادره را اجرا نماید. لازم به ذکر است که با تصویب رییس قوه قضاییه معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن می‌تواند در زندان‌ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. نحوه مستقر شدن و اجرای وظایف آن‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد.

۶-۲- جبران خسارت کودکان بزه‌دیده در مرحله اجرای احکام

در مرحله اجرای تصمیمات قضایی باید هدف بهبود جبران خسارات مادی، روانی، عاطفی کودکان آزرده باشد، ضمن آنکه باید از طریق ارائه سرویس‌های خاص، توسط نهادهای دولتی و غیردولتی درصدد بازسازی و ترمیم خسارات مادی و معنوی وارده به کودکان آزرده برآمد. هرگونه کوتاهی در ترمیم خسارات وارده به اطفال و برگرداندن آن‌ها به شرایط قبل از آزار، می‌تواند آثار سویی به دنبال داشته باشد (نوبهار و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۵).

ضرر و زیان ناشی از جرم، هدف آن ترمیم خسارت بزه‌دیده و اعاده وضعیت وی به حالت سابق می‌باشد که در حال حاضر، ضرر و زیان‌های مادی به خسارت‌هایی اطلاق می‌شود که بر مال یا جسم یا منافع مالی انسان وارد می‌شود. بنابراین اگر در نتیجه جرمی، جراحت و یا نقص عضوی بر بدن وارد شود، جزء ضرر و زیان‌های مادی محسوب می‌شود و قابل مطالبه می‌باشند که در برخی از سیستم‌های حقوقی، ضرر و زیان جسمی را از مادی جدا کرده‌اند. ضرر و زیان معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی که بنابراین ممکن است در اثر ارتکاب جرم از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اخلاقی به اعتبار خانوادگی و شغلی کسی لطمه وارد شود (گلدوست جویباری، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۶).

کودکان بزه‌دیده در ماده ۲۳ خود اعلام می‌دارد: «افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده یا در معرض خطر از طریق رسانه‌های گروهی و یا توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن جرم محسوب و مرتکب به نودویک‌روز تا شش‌ماه حبس و یا پرداخت جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال محکوم می‌شود»، اما در تبصره این ماده به مورد استثنایی آن اشاره شده است: «هرگاه توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن به منظور استفاده علمی یا در جهت مصالح کودک یا کمک به او باشد، از شمول این ماده مستثنا است.»

۶-۳- حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی

حمایتی در مرحله صدور حکم

در این قسمت به بررسی حمایت از خشونت علیه کودکان کار از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در مرحله صدور حکم پرداخته می‌شود.

۶-۱- نقش دادستان در مرحله اجرای احکام

«مطابق ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «وظیفه قانونی اجرای احکام برعهده نهاد دادسرا می‌باشد که این اقدام توسط دادستان تجلی پیدا می‌کند.» در راستای پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان، نقش دادستان در مرحله اجرای حکم از رهگذر مؤلفه‌های افتراقی پیش‌بینی‌شده از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد. در پرونده‌های کودکان بزه‌دیده نیز، پس از ورود پرونده کیفری متضمن قطعی لازم‌الاجرا به دادسرا، دادستان دستور ارجاع آن را به یکی از شعب دادرسی صادر می‌کند، این ارجاع متضمن دستور اجرا نیز می‌باشد، دادسرا مکلف است بررسی‌های لازم را درخصوص این‌که شرایط لازم در تحقق قطعیت حکم فراهم گردیده است یا خیر، به عمل بیاورد. دادستان در این راستا نکاتی، از جمله قطعیت حکم، ابلاغ حکم، توجه به مدلول حکم در جهت منافع کودک را مد نظر خواهد داشت. علاوه بر مسئولیت اجرای احکام، دادستان حق اعتراض به آرا را نیز خواهد داشت، چنانچه دادگاه پس از رسیدگی متهم کودک‌آزاری را بی‌گناه تشخیص داده و او را تبرئه کرده، این حق برای دادستان ایجاد می‌شود تا به‌عنوان معترض و اقامه‌کننده دعوی کیفری از حکم دادگاه تجدیدنظر نماید» (هدایت، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۴۸). به‌طور کلی اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و

مسئولیت دولت در قبال خسارت بزه‌دیدگان برداشته خواهد شد که از آن می‌توان قاعده‌ای به نام جبران دولتی خسارت را استنباط نمود. ماده ۱ لایحه «به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت آنان در اجرای مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط، صندوقی به نام «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و در ماده ۷ آن شرایطی برای احراز آن در نظر گرفته شده است که یکی از این شرایط در بند دوم «در صورتی که محکوم‌علیه ناتوان از جبران خسارت وارده بوده یا ناشناس و متواری و یا غیرقابل دسترس باشد و به طریق دیگری جبران خسارت از اموال وی مقدور نباشد» است.

نتیجه‌گیری

با بررسی اسناد بین‌المللی و مقایسه آن با حقوق داخلی ملاحظه می‌شود که نظام تقنینی ایران به‌خصوص با تصویب قوانین جدید با الهام از معاهدات بین‌المللی تلاش نموده است که به اهداف اسناد بین‌المللی نزدیک شود، اما کماکان دچار خلأ و کاستی‌هایی می‌باشد و فاصله بسیاری با نظام بین‌المللی دارد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تحت تأثیر معاهدات بین‌المللی علی‌الخصوص کنوانسیون حقوق کودک در زمینه حقوق کیفری کودکان بزه‌دیده حائز اهمیت می‌باشد که دارای چالش و ایراداتی می‌باشد و قانون کامل و جامعی نمی‌باشد. تا قبل از سال ۱۳۸۱ در زمینه سوءاستفاده از کودکان مقرره خاصی پیش‌بینی نشده بود که با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان گام بزرگی برای جلوگیری از بزه‌دیدگی کودکان در سوءاستفاده از آن‌ها برداشته شد، اما درخصوص هرزه‌نگاری قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به‌صراحت صحبت ننموده است و در قانون مجازات اسلامی نیز به‌طور مطلق در ماده ۶۴۰ به آن اشاره شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دارای نوآوری‌هایی می‌باشد که در این قانون در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ حمایت ویژه از دختر نابالغ شده است که البته بهتر بود در کنار جرم‌انگاری تدابیر حمایتی را برای بازپروری آن‌ها اختصاص می‌داد. همچنین در این قانون حمایت ویژه درخصوص پسر نابالغ همچون دختر نابالغ نشده است، از جمله تحولات و نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۱ در راستای حمایت از بزه‌دیدگان امکان مطالبه ضرر و زیان،

«منافع ممکن‌الحصول نیز دیگر خسارات قابل جبران توسط متهم شناخته شده‌اند. منظور از این منافع، منافع می‌باشد که سبب تحقق آن‌ها موجود بوده و روند طبیعی امور منجر به حصول آن‌ها می‌شده است، اما ارتکاب جرم، مانع تحقق این منافع برای شاکی گردیده است، این‌گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند» (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

«اجرای حکم به‌عنوان آخرین مرحله فرایند کیفری اهمیت به‌سزایی دارد و اجرای درست مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی و تربیتی، یعنی برآوردن اهداف عدالت کیفری و اجرای ناصحیح، یعنی هدررفتن این زحمات می‌باشد که در این مقطع دولت‌ها باید تشویق شوند تا به بررسی وضعیت مرتکبین که در حال گذراندن مجازات خود می‌باشند و کودکان بزه‌دیده بپردازند. کودکان بزه‌دیده شایسته بهره‌مندی از حقوقی در فرایند کیفری می‌باشند تا از رهگذر آن بهتر بتوانند برای دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌دیدگی‌های خود اقدام کنند، در وهله نخست جبران خسارات وارده بر کودک اصولاً بر دوش بزه‌کار یا دیگر اشخاصی است که پاسخگوی رفتار بزه‌کارند» (عظیم‌زاده و هدایت، ۱۳۹۵: ۵۲)، اما چنانچه بزه‌کار یا دیگری منابع «مانند بیمه خصوصی» نتوانند خسارات وارده بر کودک را تمام و کمال جبران کنند، دولت‌ها باید درجهت جبران خسارت وارده بر کودک تلاش نمایند.

«گاه بزه‌کار شناخته شده است، ولی بنا به عللی همچون عدم کفایت ادله اثبات دعوا، فرار و یا کشته‌شدن و یا خودکشی بزه‌کار، طولانی‌بودن زمان رسیدگی و مهلت‌داربودن پرداخت و نیز عدم کفایت درآمد بزه‌کار، خسارت بزه‌دیده جبران نمی‌گردد» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). بنابراین زمانی که پرداخت خسارات تماماً از سوی بزه‌کار یا مجرم جبران نمی‌شود یا دیگر منابع (مانند بیمه) در دسترس نیست، دولت‌ها باید درجهت تأمین غرامت مالی تلاش نمایند. درواقع، غرامت توسط دولت باید تا حداکثر جایی برای مداوا و بازپروری برای صدمات و جراحات فیزیکی و روانی پرداخت شود که خسارت به‌وسیله سایر منابع برای مثال مجرم پرداخت نگردیده است. در حقوق ایران در صورت تصویب لایحه حمایت از بزه‌دیدگان گامی بلند درجهت پذیرش

- خالقی، علی (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات شهردانش.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). «موقعیت اطفال بزهکار و بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران». *مجله دیدگاه‌های حقوقی*، ۷(۲۵): ۳-۳۰.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرآیند کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم.

- رضائی راد، غلامرضا؛ آقاپور، علی و محمود سلطانی، طاهره (۱۳۹۸). «سیاست کیفری در قبال بهره‌کشی جنسی از کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران». *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱(۴۳): ۳۵۹-۳۷۸.

- ساقیان، محمد مهدی؛ صادق نژاد، مجید و ملانی، مریم (۱۳۹۴). «بررسی تحولات حقوق کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». *نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری*، ۱(۱۱): ۸۳-۱۰۶.

- عابدینی، غلامرضا و علوی، سید محمد تقی «بررسی محتویات پرونده‌ی شخصیت اطفال و نوجوانان در حقوق ایران». *نشریه حقوق جزا و سیاست جنایی*، ۱(۳): ۹۷-۱۱۹.

- عبادی، شیرین (۱۳۸۲). «حق مشارکت کودکان». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۲(۷): ۱۱۱-۱۱۸.

- عظیم زاده، شادی و هدایت، هدیه (۱۳۹۵). «از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودک تا نحوه ترمیم خسارات؛ با نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسناد بین‌المللی». *پژوهش حقوق کیفری*، ۵(۱۷): ۳۱-۶۵.

- غلامی، حسین (۱۳۸۴). «جایگاه عدالت ترمیمی در پیش‌نویس». *نشریه پژوهش حقوق عمومی*، ۵(۱۶-۱۵): ۳۳۶-۳۴۴.

- قائمی، علی (۱۳۸۶). *کودک و خانواده تا به سامان*. چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

همراهی حامی و وکیل، دسترسی آسان بزه‌دیده به نهادهای عدالت کیفری و ... هست که برخلاف قانون سابق درجهت حمایت بیشتر از بزه‌دیدگان حائز اهمیت می‌باشد، اما در این قانون به‌طور عام کلیه بزه‌دیدگان که کودکان بزه‌دیده نیز شامل آن‌ها خواهند شد را مورد حمایت قرار داده است. بنابراین حمایت از کودکان بزه‌دیده به‌صورت افتراقی مد نظر قرار نگرفته است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آبروشن، هوشنگ (۱۳۸۹). *کودک آزاری و کنوانسیون حقوق کودک*. چاپ دوم، تهران: انتشارات آثاراندیشه.

- افتخاری، عباس (۱۳۸۸). «حمایت از کودکان بزه‌دیده در حقوق ایران و مقررات بین‌المللی». پایان نامه کارشناسی ارشد، نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.

- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و قتلویی طرقي، شعله (۱۳۹۵). «نقش مددکار اجتماعی در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بزه‌دیده». *نشریه وکیل مدافع*، ۵(۱۵): ۹۶-۹۷.

- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت». *نشریه حقوق اسلامی*، ۳(۹): ۹۵-۱۲۲.

- کی نیا، مهدی (۱۳۹۲). «بزه‌دیده‌شناسی». مجله حقوق (دانشکده علوم قضایی)، ۱(۱): ۲۵-۷۲.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۱). کلیات آیین دادرسی کیفری. چاپ نهم، تهران: انتشارات جنگل.
- مرتضوی، نسرین (۱۳۸۶). بزه‌دیده‌شناسی زنان. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرند آبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی. به کوشش شهرام ابراهیمی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- نوبهار، وحید؛ جلالی، فرزاد و واعظ طبسی، محمد (۱۳۸۲). درآمدی بر حقوق کودک. چاپ اول، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- نیازپور، امیر حسن (۱۳۸۷). «سیاست جنایی بین‌المللی و ملی در زمینه حق بزه دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۱(۴۷): ۲۰۵-۲۲۴.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۸). «تعامل آیین دادرسی کیفری کودکان و جرم‌شناسی بالینی با تأکید بر لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان». فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵(۱۸): ۳۴۵-۳۶۰.
- نیکو، بهنام؛ صفایی، مریم و عبدالهی، اسماعیل (۱۳۹۹). «سیاست جنایی حمایت از کودکان در معرض انحراف در اسناد بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران». مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱(۴۲): ۳۰۵-۳۳۲.
- هدایت، هدیه (۱۳۹۵). آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران. چاپ اول، تهران: نشر میزان.